

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

در عرصه کلتوری :

الف – موقف زن در ادوار ماقبل دولت مشروطه :

در مثنون و آثار مؤرخین و نویسندگان ما پیرامون نقش زن در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چه در جوامع ماقبل تاریخ و چه در دوره های تاریخی به مقایسه نقش مرد معلومات خیلی اندک به نظر میرسد. بناءً تتبع و تحقیق در مورد اثر گذاری زن من حیث يك عامل اقتصادی در نظام های جوامع بشری مانند مدنیّت ابتدائیّه، نظام اشتراکیه اولیه، بردگی و فیودالی نسبت عدم موجودیت مواد و مآخذ کار ساده نیست و همین نقیصه تا اندازه های متفاوت در اسناد و آثار کتبی اکثر ممالک شرقی به شمول آسیای مرکزی و ایران نیز دیده میشود. یگانگی اثر داخلی که تا اکنون به صورت رساله مستقل پیرامون شرح حال تعدادی معدود زنان (زنان شاعره) به نظر میرسد (پرده نشینان سخن گوی) اثر ماگه رحمانی (۱۳۲۸ هـ) است که بیوگرافی عده ای از شاعران زن و (شاعران زن مجهول الزمان) کشور را در ارتباط با انکشاف ادبیات فارسی در قرن چهارم تا سیزدهم هـ ق با نمونه کلام شان انعکاس میدهد که امید است این آغاز یک حرکت مثبت، در مورد نقش سازنده زن در ادوار مختلف تاریخ کشور ما باشد.

۱ – موقف زن در عهد مدنیّت ابتدائی (گله نی) :

طوریکه آشکار است موقف انسان (زن و یا مرد) را در نظام های مختلف جوامع بشری، چگونگی نیروی تولیدی و تقسیم کار تعیین مینماید. در گذشته های خیلی دور، زمانیکه انسان های اولیه یعنی سینانتروپ

ها، پیتکا نتروپ ها و نندرتال ها هنوز به صورت گله‌ئی زندگی میکردند یعنی در مسیر آن مدنیت ابتدائی جامعه انسانی، ابزار کار خیلی ساده و بسیط و تقسیم کار هنوز صورت نگرفته بود. بناءً هیچ نوع تفاوتی هم بین زن و مرد وجود نداشت، تمام افراد جامعه طور «گله وار» جهت دفاع در برابر حیوانات و حصول ما یحتاج زندگی مخصوصاً دریافت غذا (شکار حیوانات) شرکت نموده و از دست آورد خودها به صورت مساویانه استفاذه میکردند. گروه‌های این نظام اجتماعی که در حدود ۲۰۰ هزار سال قبل از امروز زندگی میکردند (۵۹) به صورت «گله‌ئی» گشت و گذار نموده و در رأس گله زن و یا مرد (بدون در نظر داشت تفاوت جنسی) قرار داشت. (۶۰) مطلب اخیر الذکر نشان دهنده آن است که در این نظام اجتماعی ابتدائی که زمان طولانی یعنی «دوره عتیق حجر» یا «عهد کهن سنگی» (Paleolith) را احتوا میکند (۶۱)، هیچ نوع تبعیض جنسی بین انسان‌ها وجود نداشت، زن و مرد هر دو و منحیث عنصر فعال اقتصادی در پروسه تولید شرکت مینمودند.

در نتیجه کاشها نیکه در اوایل نیمه دوم سده بیستم در مغاره‌های قره کمر، هزار سم و لایت سمنگان و چهلستون و لایت با میان (۶۲)، چنار گنجشکان (۶۳) تخار صورت گرفته يك تعداد آلات و افزار انسان‌های عصر نندر تال به دست آمده که نشان دهنده مرحله پلیولیت ابتدائی (۶۴) دوره سنگ و مد نیت اجتماعی آن دوره گله‌های انسان‌های اولیه در کشور است.

## ۲- جایگاه زن در جامعه اشتراکیه اولیه :

در طی طولانیترین مقطع زمانی «پلیولیت ابتدائی» (۶۵) ابزار تولیدی خیلی به کندهای انکشاف مینمود، تا سر انجام در آغاز «پلیولیت نوین» یعنی در حدود چهار هزار سال قبل از میلاد در اثربهتر شدن تدریجی کیفیت و کمیت افزار تولیدی و تقسیم ابتدائی کار، جامعه گله‌ئی به سازمان نسبتاً عالی تری به نام «نظام اشتراکیه اولیه» تعویض گردید. نظام اجتماعی اخیر الذکر يك جامعه مادرشاهی (Matriarchal) بوده که در آن شوهر بعد از ازدواج به فامیل زن متعلق میشد. ضابطه روابط اکزوگمی «Exogamy» (۶۶) و چند شوهری (Polyandry) از خصوصیات دیگر این سازمان ساده اجتماعی بود که در آن به حد اعلی رشد خود رسیده بود.

پژوهش‌های باستان‌شناسی در کشور، سواحل دریای آمو، هزار-سم سمنگان، ساحل جنوبی دریای ارغنداب (۶۷) و آق کپرک - کنار دریای بلخ (۶۸) را به مثابه کانون‌های عمده این مدنیت نشان میدهند.

## ۳- زن در نظام بردگی :

هر قدر تقسیم کار عمیقتر و افزار آن مکملتر می‌گردید به همان تناسب موقف اجتماعی و اقتصادی زن ضعیفتر می‌شد، تا بالاخره در مرحله گذار از جامعه اشتراکیه اولیه به سازمان بردگی (که البته مدت‌های طولانی را در بر گرفت) سیستم چند شوهری Polyandry (پولی اندری) نیز به چند زنی Polygamy (پولی گامی) تبدیل شد. در این دوره زن مطابق نظم پدرشاهی Patriarchal (پاتریارکال) بعد از ازدواج به فامیل شوهر مدغم می‌گردید. علائم نظام بردگی در افغانستان، ایران و آسیای مرکزی در عهد اوستا یعنی هزاره يك و نیم قبل از میلاد (۶۹) به نظر میخورد، زیرا در اوستا کلمه «ویره» به معنی مرد، سرباز و یا غلام (۷۰) بارها تذکر رفته اما اوج انکشاف این مدنیت جهانی به عهد هخامنشی‌ها (قرن ششم تا چارم قبل از میلاد) ارتباط میگیرد.

که نقش زن در این دوره به حدی تنزل نمود که دیگر او به صفت انسان در جامعه محسوب نمیشد. عبارات ذیل وضعیت حقوقی و موقف اجتماعی زن را در ایران قدیم این طور تمثیل میکند:

« در این دوره به هیچ وجه عنوان انسان بر زن اطلاق نمیشود با منتهای خشونت و سختی با او رفتار میکنند. زن شیء قابل تملک و در ردیف غلامان و چارپایان بارکش و سودمند شمرده شده و با نتیجه فاقد هر گونه حیثیت و اختیار است. مرد میتواند زن خود را بفروشد، قرض دهد، کرایه دهد، هدیه کند یا بکشد، در مقابل کوچکترین بهانه ای شدیدترین مجازات نسبت به او روا است، اغلب زن را به درخت و یا دیرک بسته شلاق میزدند. زن حق ندارد با شوهر خود یکجا سکونت کرده غذا بخورد. مشکلترین مشاغل زندگی و سنگینترین تکالیف به عهده او است. تنها راه نجاتی که برای خود می اندیشید خودکشی بود. »

(۷۱)

در نظام برده داری تعدد زوجات امر معمولی و مجاز بوده و وابسته به توانائی اقتصادی مرد بود. مردان ناتوان و بی بضاعت زیادتر از یک زن نداشتند، در حالی که مردان متمول و دارا مالک چندین زن بوده که یک یا دوی آن زن اصلی و دایمی و دیگران کنیزان (۷۲)، خدمتگاران و یا بخاطر ارضای خواهشات نفسانی اکثرأ در خانه های اشراف و اعیان به سر میبردند. دختر حق انتخاب شوهر را نداشت، بلکه پدر باید شوهر دخترش را انتخاب میکرد.

مع الوصف، زن در اروپا در جوامع بردگی یونان و روم و یا سایر ممالک آسیائی هم به صفت انسان هیچ نوع مقام و جایگاهی نداشت و از جمیع حقوق و امتیازات انسانی محروم بود، حتی او بعد از وفات شوهر حق زندگی نداشت و در بعضی ممالک آسیائی سوزاندن زن زنده با جسد شوهر متوفا و یا زنده به گور کردن او در کنار شوهر، ناشی از تنزل بی حد و حصر مقام زن در نظام بردگی است.

به صورت کل نقش زن در نظام برده داری در افغانستان، ایران، آسیای مرکزی و سایر جوامع بردگی با ایجاز و اختصار چنین جمع بندی شده میتواند:

زن در نظام برده داری فاقد شخصیت حقوقی، موجود ضعیف و بی قیمت و شیء قابل تملک و معامله و فاقد هر نوع اختیار و صلاحیت حتی در امور منزل بود.

#### ۴- زن در دوره فیودالیزم:

آغاز دوره فیودالیزم را در افغانستان و آسیای مرکزی قرن سوم میلادی میدانند، بدین معنی که کشورهای فوق الذکر در این وقت در حالت انحطاط اقتصادی و فرهنگی و در مرحله پاشیدگی نظام بردگی و در حال عبور به مناسبات ابتدائی فیودالی به سر میبردند. (۷۳) اما در اروپا شکل کلاسیک فیودالیزم در قرن پنجم میلادی به وجود آمد و تا انقلاب بورژوازی انگلستان - وسط قرن هفدهم یعنی در حدود دوازده قرن دوام نمود. (۷۴)

امپراتوری روم غربی با شورش های دوامدار بردگان در داخل و تهاجم بربرها از خارج مواجه گردید و سرانجام سقوط کرد، جای دولت مرکزی را شاهان با ادارات متعدد محلی میگیرند، اقتصاد متمرکز شهری (صنعت و بازرگان) به اقتصاد روستائی در حوزه های کشاورزی متمرکز میگردد. (۷۵) در نتیجه عوامل فوق الذکر تحولات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه روم رخ داد که

سرانجام نظام برده داری به تشکیلات فیودالی (با مناسبات و ابزار تولیدی نو) تعویض شده و در نتیجه آن برده به «سرف» که اقلاً حایز پناهی و قطعه زمینی است تبدیل گردید.

نکته ای در خورتوجه آنست که در افغانستان، ایران و آسیای مرکزی، مانند اروپا بین نظام بردگی و جامعه فیودالی مرز مشخص ترسیم شده نمیتواند. کنده و رشد نامتوازن و نامتجانس اقتصادی در کشورهای مذکور میشود که تا مدت های مدید (تا ایجاد دولت مشروطه) یعنی حتی در عصر انکشاف دوره فیودالی در کشور علیم و آثار نظام بردگی حفظ گردد و صرف با تدوین قانون اساسی ۱۹۲۳م نشانه های جامعه بردگی از افغانستان معدوم گردید و بقول روان شاد غبار:

هفت صد و چند نفر کنیز و غلام در شهر کابل از منازل اربابان خود برآمدند. (۷۶)

از آنجائیکه هدف ما در این جا تعیین نقش زن در نظام فیودالی است، بناءً جهت بررسی بهتر و درک درست تر، آنرا در مقاطع کوچکتر زمانی این دوره عظیم تاریخی تحت مطالعه قرار میدیم:

ادامه دارد

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**  
**97 Forest Heights Str.**  
**Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada**  
**Tel (905) 665-8767**